

بقعه صاحب الامر واقع در کنار مهراں رود،

در داخل شهر تبریز خانقاه مهرپرستان بوده است

نام مهراں رود (میثان/میدان رود) و اسطوره قربانی مهرپرستانه گاو در کنار نام بقعه صاحب الامر گواه صادقی بر این نظر می باشند. گرچه منابع تاریخی مربوطه حافظه شان از عهد اوزون حسن آق قویونلو و شاه طهماسب صفوی فراتر نمی روند. مقاله تحقیقی عبدالعلی کارنگ را در این باب از دایره المعارف شهر تبریز در ذیل نقل می نمایم که شباهت اساسی داستان گاو قربانی آن را با سنن قربانی گاو توسط میر (امیر، مهر؛ اسماعیل تورات و قرآن) در نزد کردان یزیدی (ایزد دوستان) در اساس مهرپرست نادیده گرفته است. یزیدیان در مراسم قباخ (گاو قربانی خدا) گاوی فراری را طی مراسمی بین مقبره شیخ شمس (خورشید) و شیخ عدی (ایزد چشمه ساران) که هر دو جوهی از خود ایزد مهر (میر) هستند، برای این ایزد گاوی قربانی می نمایند. فرقه صوفیان علوی بکتاش ولی (ایزد یاور و میانجی) و بوگومیل‌های بوسنی (ایزد دوستان) باز ماندگان مهرپرستی قدیم در دوسوی غرب و شرق امپراطوری بزرگ عثمانی بوده اند. نام بکتاش ولی در خود ایران به صورت پوریای ولی (فرزند و نائب) قهرمان اساطیری زورخانه ها بر جای مانده است. نظر به سنن اوستایی و ودایی نام مؤبدانی که انیریامن (دوست=مهر) نامیده می شده اند و نامشان به خورشید نیز اطلاق میگردد است، مؤبدان معابدخورشیدی بوده اند؛ احتمالاً آتشی در محراب هم به نشانه خورشید می افروخته اند که به تدریج به ایزد آتش (آذر) تعلق گرفته است که مؤبدانش آثرون (آتربان= نگهبان آتش) خوانده می شدند. در این رابطه گفتنی است در عهد باستان هردو بزرگ جنگ آریایی ها یعنی ایزد خورشید مهر و ایزد رع و ورث‌رغنه را تحت نام بهرام (رامش دهنده نیک) آورده اند. از این میان آن بهرامی که آتشکده ها به وی اختصاص داشته همان ایزد مهر است چه از جمله آتشکده مزار شریف در جوار بلخ که به نامهای ونابک و فرنیغ (دوستدار خدا) نامیده میشده است بعداً در عهد مسلمین مقبره علی ولی الله (در واقع ال [خدای] یاور الله) تصور شده است. و این همان لقب ایزد مهر (در مقام حضرت میر/امیر المؤمنان) ملقب به اوخشیت نمنگهه (=پرورنده نماز) است که با سماجت سنتهای کهن ایرانی وارد اذان نماز شیعیان گردیده است. القاب اسدالله غالب نیز که لقب علی بن ابی طالب به شمار آمده اساساً متعلق به ایزد مهر (هرمس= شیر) بوده است. ایزد مهر همچنین به همراه آلب ارسلان سلجوقی تاریخی در نقش امیرارسلان نامدار قهرمان اسطوره عامیانه امیر ارسلان (شیر نامور مهر/شمس پسر ملک شاه) و ملکه فرخ لقا (ماه/قمر) دختر پطرس (سنگ) گردیده است که به وضوح یاد آور مشیه (مثیه/مهر/خورشید) و همزاد مزدجش مشیانه (مثیانه/مهریانه/ماه) است که مطابق کتب پهلوی ابتدا به شکل دو ساقه ریواس بهم آمیخته رسته بوده اند. می دانیم ایزد مهر در نقش سوشیانت میانی در اوستا مسما به اوخشیت نمنگهه (خورشید نامی پرورنده نماز) و هوشیدر مه (بزرگ درخشان) است. مطابق نوشته نادر میرزا در کتاب تاریخ و جغرافیای دارالسلطنه تبریز در زمان اوزون حسن در جوار همان مکان بقعه صاحب الامر یک خانقاه (در اصل خونگاه یعنی معبد ایزد درخشان=مهر) قرار داشت که به امر اوزون حسن به عمارت و آبادانی آنها پرداخته شده بود. مقاله تحقیقی عبدالعلی کارنگ در باره بقعه صاحب الامر از این قرار است:

بقعه صاحب الامر

بقعه یا مقام صاحب الامر در جانب شرقی میدان صاحب آباد قرار گرفته است.

یک گنبد و دو مناره بلند دارد. نخست مسجد سلطنتی شاه طهماسب صفوی بود^۱. در سال ۱۰۴۵ قمری به وسیله سپاهیان سلطان مراد چهارم تخریب شد^۲. پس از عقب نشینی عثمانیان دو باره آباد گردید^۳. در زلزله شدید سال ۱۱۹۳ هـ. ق، باز فرو ریخت. در سال ۱۲۰۸ به وسیله جعفر قلی خان دنبلی ملقب به باتمانقلیچ پسر احمد خان تجدید بنا یافت^۴. در ۱۲۶۵ هـ. ق، حادثه ای در این مسجد روی داد که عوام الناس را که به علت بنای نخستین این مسجد از طرف پادشاه شیعه صفوی بدان علاقمند بودند بیشتر علاقمند ساخت. نادر میرزا در این خصوص می نویسد:

قصابی در وسط میدان صاحب الامر می خواست گاوی ذبح کند، گاو از زیر دست وی در رفت و به مقام صاحب الامر گریخت، قصاب ریسمانی برد و در گردن گاو انداخت تا او را بیرون بکشد، گاو زور داد و قصاب به زمین خورد و در حال قالب تهی کرد. در این حال بانگ صلوات مردم بلند شد و این امر معجزتی تلقی گردید. بازار را تا یکماه آذین بستند، تبریزشهر صاحب الامر به شمار آمد و مردم خود را از پرداخت مالیات و توجه به حکم حاکم معاف دانستند. گاو را به منزل آقا میر فتح بردند، مردم دسته دسته با نذر و نیاز به زیارت گاو رفتند و به شرف سم بوسیش نائل گردیدند. در ظرف یک ماه مونی بر بدن گاو باقی نماند و همه به تبرک رفت.

مسجد نیزمورد عنایت خاص قرار گرفت، کور و گنگ و لنگ غرفه ها و شاه نشین های آن را پر کرد. هر روز معجزه و آوازه ای تازه بر سر زبانها افتاد، بزرگان پرده و فرش و ظرف می فرستادند، کنسولگری انگلیس هم چهل چراغی فرستاد که هم اکنون زیر گنبد مسجد آویزان است.

حشمت الدوله حاکم شهر از بیم عوام درمانده بود، قضا را گاو مرد و غوغا اندکی فرو نشست، اما از برکت وجود عوام نان غوغانیان مدتها تو روغن بود^۵.

در ۱۲۶۶ هـ. ق، میرزا علی اکبر خان مترجم کنسولگری روس که مردی ثروتمند بود به آئینه بندی قسمتی از بقعه و دهلیز و تعمیرات آن اقدام کرد و صحن و مدرسه کنونی را احداث و موقوفاتی برای آنها تعیین نمود. نام این صحن و مدرسه که در سال ۱۳۴۵ هـ. ق، بدون توجه به اهمیت و حیثیت تاریخی آن در نتیجه امتداد یافتن خیابان دارائی تخریب شد در بدو تأسیس اکبری بود^۶. ملی بعد ها صحن مقام صاحب الامر خوانده شد^۷. یکبار نیز در سال ۱۳۲۶ شمسی از محل عطایای شاهانه تعمیراتی در قسمتهای مختلف آن مدرسه به عمل آمد اما افسوس که عدم توجه شهرداری این بنا را نیز مانند چند بنای جالب این شهر از بین برد، ناگفته نماند که در مدخل دهلیز و اندرون بقعه دو طاق مرمری از زمان شاه طهماسب صفوی باقی و پا برجاست.

بلندی طاق مرمری مدخل دهلیز یا کفشکن که از بیرون نظر هر بیننده ای را به خود جلب می کند ۳/۵ متر است. این طاق از سه قطعه سنگ ترکیب یافته است، دو پایه و یک طاق بزرگ یکپارچه به عرض ۲۲۰ و بلندی ۱۷۵ سانتی متر. بلندی پایه ها ۱۷۵ و عرض آنها ۳۲ سانتی متر است. سطح بیرونی طاق و پایه ها را گل و بوته و اسلیمی و ختائی برجسته دل انگیزی پوشانده است و فقط در بالای طاق، عبارت «بسم الله الرحمن الرحيم» در وسط ترنج بیضی شکل منکسری به خط ثلث نقر گردیده است.

سنگنبشته مرمرینی که در جانب شمالی این طاق بر روی دیوار نصب شده ۴۰ سانتیمتر و بلندی ۱۲۰ سانتیمتر عرض دارد و مطالب ذیل به طور برجسته در آن حک شده است: «چون همگی توجه عاطر خیر تأثیر همایون ما به حصول مطالب و رفاهیت کافه رعایا و بر دفع و رفع بدع و نامشروعات متعلق و مصروف است لهذا شمه ای از عنایت نیر شاهانه بر ساحت حال رعایای دارالسلطنه تبریز پرتو انداخته، تمغای کیالی برنج و زغال بازار را منع فرمودیم و بر حکام و کلانتران و متصدیان و مستأجران و مستوفی و مقطعی وجوه آنجا ابواب باز یافت و اخذ تمغوات مذکوره را مسدود۸».

بلندی طاق مرمری مدخل بقعه ۳ متر و عرض آن ۱۸۰ سانتیمتر است. این طاق نیز سه پارچه است، دو پایه و یک طاق، بلندی پایه ها ۱۵۰ و عرض آنها ۳۰ سانتیمتر است که قسمت اصلی طاق بر روی آنها استوار شده و در بالای آن عبارات «قال الله تبارک و تعالی: و ان المساجد لله، فلا تدعوا مع الله احداً، و لما قام عبدالله يدعوه کادوا یکنونوا علیه لبدأ ۹. کتیه علاالدین».

این کتیه همچنانکه از رقم آن نیز معلوم می شود به خط علاالدین تبریزی خطاط معروف زمان شاه طهماسب صفوی است ۱۰.

قسمتی از سنگهای مرمری که در بنای اصلی به کار رفته بود پله و سنگ فرش آستانه و دهلیز بقعه را تشکیل می دهد. در وسط بقعه صندوق چوبی مشبکی گذاشته اند که معمولاً روی قیر گذاشته می شود ولی زیر آنقبری وجود ندارد و فقط وسیله ای است برای اغوای عوام و جلب آنان به زیارت بقعه.

دیوار های داخلی بقعه یا به عبارت بهتر مسجد، تزئینات متعددی دارد که از آن جمله است کتیه های برنزی برجسته ای متضمن عبارات «یا مفتح الابواب، یا من مفتح هو الابواب و به ثقتی و فتوحی، یا کافی المهمات، الهم صل علی النبی محمد المصطفی و علی المرتضی و فاطمة البتول والحسن و الحسين و علی و محمد الباقر» در دست راست و عبارات «یا رفیع الدرجات، یا قاضی الحاجات، جعفر الصادق و موسی کاظم و علی و التقی و الحسن و المهدی صلوات الله و سلامه علیهم اجمعین، فی ۱۲۰۱ من الحجره» در دست چپ.

سالها قبل از وقوع معجزه پناهنده شدن گاو، در بین عوام الناس شایع بوده که کسی حضرت امام عصر(ع) را به رویا و یا به عیان در محراب آن مسجد دیده است ۱۱، از همان زمان بر جلو محراب نرده ای کشیده و پرده ای انداخته اند که چشم کسی بدان نیفتد و پای احدی بدان نرسد. بالای طاق محراب هم آئینه بندی شده، اکنون عوام به

خصوص زنانه قصد قربت از دور و نزدیک به زیارت بقعه می آیند و از نرده و پرده محراب حاجت می طلبند و بر این و آن بوسه می زنند ۱۲.

مسجدی نیز در جانب شمالی دهلیز بقعه واقع شده است که آن مسجد صاحب الامر یا مسجد شیخان یا مسجد ثقة الاسلام گویند. این مسجد در سالیان پیش رونقی داشت اما اکنون متروک است و جز چند صبحی از ماههای محرم دایر نیست. تکمیل بنای مزبور در سال ۱۲۶۵ ه. ق، اتفاق افتاده و امامت آن با مرحوم میرزا محمد شفیع ثقة الاسلام پیشوای شیخیه (جد مرحوم ثقة الاسلام شهید) بود.

مرحوم میرزا علی آقا ثقة الاسلام در رساله «تاریخ امکنه شریفه و رجال برجسته» شرح ذیل را که حاوی اطلاعات ارزنده ای در باره مسجد مزبور است آورده: «در سمت شمالی مقام جای مسجدی بوده که معمرین وجود آن را نقل می کنند که ایوانی بود بی سقف که حضرت جد امجد حاج میرزا محمد شفیع ثقة الاسلام اعلی الله مقامه در تاریخ هزار و دویست و شصت و پنج همانجا را تعمیر کرده و مبالغی بر آن افزوده اند و فعلاً مسجدی عالی است و بنا به گفته معمرین معادل جای دو گنبد از طرف غربی همان مسجد سابقاً محل مسجد بوده که بعد جد مرحوم از جانب شرقی و شمالی بر آن افزوده است.

بعد در تاریخ هزار و دویست و نود و یک از طرف شرقی مسجد عمارت جدید کرده و یک طاق نیز افزودند و مسجد زمستانی دیگر در جانب شرقی مسجد احداث کردند، بعد ذلک در سال هزار و سیصد و ده هجری که سال و بانی عام بود، حضرت والد ماجد حاج میرزا موسی آقا ثقة الاسلام اعلی الله در جته به واسطه شکست فاحشی که در آن طاقهای جدیدالاحداث و مسجد زمستانی واقع شده بود مجدداً یک جرگه طاق احداثی را با مسجد زمستانی برداشته به وسعت مسجد افزودند و مسجد زمستانی موقوف شد و فعلاً مسجدی چهار ستون سنگی عرض و شش ستون طول و طول آن به قبله افتاده و مقام نیز در سوی قبله همین مسجد است و ما بین این مسجد و مقام، رواق مقام واقع شده که از متعلقات مقام و در حکم دهلیز اصل مقام است ۱۳.

از نوشته های تاریخ داری که در منضمات مقام هنوز باقی مانده و نوشته ای بر بالای سر در مدرسه اکبریه که روی به مغرب و مشرف به میدان صاحب آباد یا صاحب الامر می باشد. این نوشته در روی گچ کنده شده و عبارت است از:

این بارگاه کیست که گویند بیحراس ۱۴

کی ۲ اوج عرش سطح حضيض ترا مماس

در بالای این بیت عبارت «استاد جبار ۱۲۷۱» و در زیر بیت عبارت «عمل تبریزی» نوشته شده است.

=====

۱. در تاریخ عالم آرای عباسی ضمن اشاره به بناهای برجسته ای که به امرشاه طهماسب صفوی ایجاد گردیده به عبارت ذیل به عمارت مسجد شاه طهماسب اشارت رفته است: «... از آثارش باروی بلده طهران و باروی مشهد مقدس و مطلا گردانیدن گنبد مبارک حضرت امام الجن و الانس و میل طلای سر گنبد و عمارات دولتخانه مبارکه دارالسلطنه قزوین و حمامات متعدد چهار بازار و باغ ارم تمامی موسوم به سعادت آباد که به لطافت و خوبی شهره جهان و نمونه ای از باغ جنان است و مسجدی در صاحب آباد تبریز...» ص ۱۲۴، ج ۱، تهران ۱۳۳۴ ش. و در تاریخ امکنه شریفه و رجال برجسته، مرحوم ثقة الاسلام نیز بدین مسجد اشارات رفته است. ص ۳۵.
۲. کاتب چلبی در کتاب جهان نما ضمن بحث از تبریز می نویسد: «در قسمت شرقی میدان- صاحب آباد- متصل به جامع سلطان حسن، مسجد مزین دیگری وجود داشت که چون بنایش از شاه طهماسب بود عساکر عثمانی جا به جا خرابش کردند» ص ۳۸۱- ۳۸۵، قسطنطنیه ۱۱۴۵ ه. ق، مقاله تبریز، مندرج در شماره ۵ مجله معلم امروز، تبریز ۱۳۳۵ ش، ترجمه نوشته کاتب چلبی است.
۳. نخستین تعمیر کامل مسجد گویا در زمان شاه سلیمان صفوی از طرف میرزا محمد ابراهیم وزیر آذربایجان که عمارات فراوانی در تبریز تعمیر و بنا نمود صورت گرفته و این مطلب از وقفنامه مورخ ۱۰۹۰ ه. ق، بخوبی استفاده می شود. تاریخ امکنه شریفه، ص ۲۷.
- ۴- ماده تاریخ این تجدید بنا مصراع «ز حکم خان بشد این مسجد آباد» است. همان کتاب، ص ۲۵.
- ۵- تاریخ و جغرافی دارالسلطنه تبریز، نادر میرزا، ص ۱۱۰- ۱۱۱، طهران ۱۳۲۳ ه. ق، .
- ۶- همه مهندسین مأمور تهیه نقشه جامع شهر تبریز از این اقدام شهرداری متأسف و ناراضی بودند و اعتراضی نیز در این باره جهت تقدیم به وزارت کشور تهیه می کردند.
- ۷- راجع به توجه مردم به مقام صاحب الامر مرحوم ثقة الاسلام شهید نوشته ای دارد که خالی از لطف نیست. «بالجمله مقام صاحب الامر و به عبارت صحیحه مسجد صاحب آباد اکنون از مواضع متبرکه شهر تبریز و محل اعتناء و اعتماد عوام و خواص است، چنانچه در لیالی جمعه و سایر لیالی ایام متبرکه تردد و ازدحام می شود و نذورات آرند و در ایام محرم و صفر که بهار ایام عزاداری است کافه دستجات سینه زنان و خونین کفان در صحن آن اجتماع نمایند و نوحه خوانند و در روز عاشورا ازدحامی فوق العاده شود و در تمامی دستجات تا دیر وقت ظهر در صحن مسجد بالمنایه حاضر شوند و اهالی شهر از ضیاع و شریف در صحن و حجرات و پشت بامها جمع شوند و در نوحه و گریه با سینه زنان مشارکت نمایند.» تاریخ امکنه شریفه، ص ۲۹.
- ۸- نویسنده این کتیبه معلوم نیست ولی زیبایی و شیوه و مفاد نوشته نشان می دهد که سنگنبشته متعلق به زمان شاه طهماسب و شاید به خط علاالدین می باشد.
- ۹- آیه ۱۸ و ۱۹، سوره الجن «و آنکه سجده گاهها از آن خداست پس با او کسی را نخوانید و آنکه چون بنده خدا بپا خواست تا او را بخواند نزدیک بود بر او انبوه هایی شوند.»
- ۱۰- برای استحضار از شرح حال مفصل علاالدین می توان به تذکره های مهم خوشنویسان رجوع کرد، ما در اینجا فقط مجملی از نوشته صاحب کتاب پیدایش خط و خطاطان را می آوریم: «مولانا علا بیگ تبریزی ملقب به جمال الملک به وفور کمالات ممتاز و در اقطار آذربایجان به فضایل کثیره معروف بود. مدتها در خدمت شمس الدین محمد تبریزی که از اجله خوشنویسان آن عصر بود به فرا گرفتن خط پرداخت و به پایه ای رسید که در خط جلی سرآمد اقران گردید.

شاه طهماسب صفوی اول چون مراتب کمالات و حسن خط او را شنید بخواست و تشویق و اکرامش نمود و مقرر داشت تا کتیبه های مسجد صاحب آباد و مسجد جامع را در تبریز به خط جلی بنگاشت، سپس الواحی که جهت تخفیف باج و خراج از جانب شاه طهماسب مقرر گردید او مسوده کرد و حجاران نقر نمودند و ملازمان شاهی به شهر های بزرگ ایران بردند و در جوامع مهمه نصب کردند

چنانکه در اصفهان و سایر شهرها هنوز آن لوحه ها در سر درب یا کنار مساجد منسوب و باقی اند. در قبرستان تخت فولاد اصفهان بعضی سنگهای قبور بزرگان به خط اوست. قرآن زیبایی نیز به خط وی در استانبول موجود است.» ص ۲۰۲ و ۲۰۳ ، چاپ قاهره ۱۳۴۵ ه. ق ،

۱۱- تاریخ نادر میرزا، ص ۱۱۰ و ۱۱۱ ، تاریخ امکنهء شریفه، ص ۲۷ و ۲۸.

۱۲- عوام الناس که به قصد زیارت می آمدند، غالباً روزی را در غرفات و زیر طاقنماهای حیاط استراحت می کردند. و بسا اوقات مشتری خوبی هم برای پیشگویان و فالگیران و رمالانی به شمار می رفتند که در حجرات طبقهء پائین مدرسهء اکبریه اقامت داشتند. از رمالان و دعانویسان معروف، افراد خانوادهء قره سید بودند که حجره های متعددی را در اختیار داشتند. در سال ۱۳۴۵ ه. ش، از طرف شهربانی تبریز بساط این قبیل کارها در شهر بر چیده شد.

۱۳- تاریخ امکنهء شریفه، ص ۳۶.

۱۴-۱۵- کتابت غلط این دو کلمه لابد از قلت سواد کاتب یا عدم توجه بانی نشأت گرفته است.

آثار باستانی آذربایجان، آثار و ابنیه تاریخی شهر ستان تبریز

جلد اول چاپ دوم سال ۱۳۷۴ صفحه ۸۹

نشر انجمن آثار و مفاخر فرهنگی

تالیف : عبدالعلی کارنگ

جواد مفرد کهلان

درفش کاویانی



<http://derafsh-kaviyani.com/parsi/>